

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل‌ونهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۳-۱۰۴

زندگی اجتماعی و اقتصادی هندوان ساکن افغانستان بر اساس سفرنامه‌های غربی سده ۱۹ میلادی

محمد جاوید جویا^۱

داریوش نظری^۲

مجتبی گراوند^۳

امیر آهنگران^۴

چکیده

هندوان در طول تاریخ به‌رغم استقرار حکومت‌های گوناگون، شاهد تحولات بسیاری در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود در افغانستان بودند. در سراسر سده نوزدهم میلادی و با توجه به رشد جمعیت هندوان در افغانستان از یک سو و بی‌ثباتی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افغانستان از سوی دیگر، هندوان شاهد تغییرات قابل توجه در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود بودند. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر سفرنامه‌های غربی سده نوزدهم میلادی تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که زندگی اجتماعی و اقتصادی هندوان در سفرنامه‌های غربی چگونه بازتاب یافته است؟ مدعایی که می‌توان در پاسخ به این پرسش طرح کرد این است که چون سفرنامه‌ها توسط افراد غیربومی نوشته شده‌اند به مسائل ریز و درشت زندگی روزانه، اوضاع اجتماعی و اقتصادی اقلیت‌های دینی و نژادی، به ویژه هندوان توجه خاص داشته و اوضاع اجتماعی و اقتصادی آنان را با ریزبینی قابل توجهی بازتاب داده‌اند. این تحقیق دریافته است که هندوان از بسیاری جهات شبیه افغانستانی‌ها زندگی اجتماعی آرام و مرفهی داشتند و آزادی‌های اجتماعی و مذهبی آنان در بیشتر موارد از سوی دولت و مردم تضمین می‌شد. از نظر اقتصادی نیز نقش بسیار پررنگ در بازار، حکومت، نقل و انتقالات پولی، تجارت و مشاغل رسمی داشتند و از این طریق تعداد قابل توجهی از آنان خود را در جمع ثروتمندان جامعه افغانستان قرار داده بودند.

کلیدواژه‌ها: افغانستان، تاریخ اجتماعی و اقتصادی هندی‌ها، سفرنامه‌ها.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول).

jawedjoya1993@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. Nazari.d@lu.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. garavand.m@lu.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. ahangaran.a@lu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۱/۲۰

Social and Economic life of Hindus living in Afghanistan based on western travelogues of the 19th century

Mohammad Jawed Joya¹

Dariussh Nazari²

Mojtaba Garavand³

Amir Ahangaran⁴

Abstract

Hindu residents of Afghanistan experienced significant changes in their social and economic life throughout history, despite the establishment of various governments. During the nineteenth century and with the growth of Hindu population in Afghanistan, on one hand, and the social, economic, and political instabilities in the country on the other hand, Hindus experienced notable transformations in their social and economic life. This research, with a descriptive-analytical method based on the western travelogues of the nineteenth century, tries to answer the question of how the social and economic life of Hindus is reflected in the western travelogues? The claim to the above problem and question could be described as follows that, since, the travelogues were written by non-native people, they have paid significant attention to the small and large issues of daily life, the social and economic conditions of religious and racial minorities, especially Hindus. Thus, they have reflected their social and economic situation with considerable comprehension. This research has found that Hindus have had peaceful and prosperous social life similar to Afghans in many aspects, and their social and religious freedoms were guaranteed by the government and people in most cases. In terms of economic life, they also had a significant role in markets, government, monetary exchanges, trade, and official professions, placing a significant number of them among the wealthy classes in the society.

Keywords: Afghanistan, social and economic history of Hindus, travelogues.

1. PhD Candidate of Islam History, Lorestan University, Lorestan, Iran (corresponding author). JawedJoya1993@gmail.com

2. Assistant Professor, department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran. Nazari.d@lu.ac.ir

3. Associate Professor, department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran. garavand.m@lu.ac.ir

4. Assistant Professor, department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran. ahangaran.a@lu.ac.ir

درآمد

تاریخ سفرنامه‌نگاری غربی‌ها در مورد افغانستان به اواخر سده ۱۸ برمی‌گردد. با تحولاتی که در روابط سیاسی افغانستان و هند بریتانیایی با آغاز سده نوزده میلادی رقم خورد، موج جدیدی از سفرنامه‌ها که متأثر از اوضاع سیاسی در شبه قاره هند و افغانستان بود، توسط نمایندگان سیاسی بریتانیا نوشته شد. از مهم‌ترین این سفرنامه‌ها، سفرنامه الفنستون با عنوان *افغانان: فرهنگ، جای و نژاد (گزارش سلطنت کابل)*^۱ بود که گزارش بسیار ارزشمند در مورد افغانان و به‌ویژه ساکنان جنوب افغانستان را در خود جای داده است. سفرنامه‌ای دیگر با عنوان *کابل: زندگی در کابل در سال‌های ۱۸۳۶، ۳۷ و ۱۸۳۸*^۲ توسط الکساندر برنس نماینده مهم سیاسی بریتانیا در افغانستان در نیمه اول سده نوزده نوشته شد، نیز همانند اثر الفنستون، گزارش قابل توجهی در مورد اقلیت‌های غیر مسلمان مخصوصاً هندوان در خود جای داده است. سفرنامه موهن‌لال با عنوان *زندگی امیر دوست محمدخان*^۳ در دو جلد نیز هم‌زمان با اقامت برنس در کابل نوشته شد و حاوی جزئیات ارزشمندی از زندگی اجتماعی مردم افغانستان است. سفرنامه‌ای با عنوان *سرگذشت سفر جوزیا هارلان*^۴ که توسط جوزیا هارلان امریکایی در نیمه اول سده نوزده نوشته شد، از دیگر اثر مهم نیمه اول سده نوزدهم است که گزارش جامعی از اقلیت‌های غیرمسلمان نظیر هندوان و یهودیان ساکن افغانستان را در خود جای داده است. این اثر در دو بخش و متمرکز بر بلخ و شمال افغانستان و مناطق مرکزی افغانستان (هزاره‌جات)

1. Elphinstone, Mount Stewart (1815), *An Account of The Kingdom of Caubul, and Its Dependencies in Persia, Tartary and India (Comprising a View of The Afghaun Nation, A History of The Dooraunee Monarchy)*, London, printed for longman, hurst, orme, and brown, paternoster-row, and j.murray, Albemarle-street.

2. Burnes, Alexander (1843), *Cabool: A personal Narrative of a Journey to, and residence in that city, in the years 1836, 7, and 8*, London, John Murray, Albemarle street.

3. Kashmiri, Mohan Lall (1846), *life of the Amir Dost Mohammed Khan of Kabul*, London, Longman, Brown, and Longmans, paternoster-row.

4. Harlan. General Josiah (1939), *Personal Narrative of General Josiah Harlan*, Edited by Frank E. Ross, M.A. London, LUZAC & CO.

نوشته شده است. تعداد قابل توجهی سفرنامه در اواخر سده نوزدهم میلادی نوشته شدند که سفرنامه الفرد گری با عنوان *دربار امیر عبدالرحمن خان*^۱، همیلتون با عنوان *افغانستان*^۲ و تورنتون با عنوان *تجربه مقام انگلیسی و همسرش در کابل*^۳ نمونه‌هایی از سفرنامه‌های متعلق به سال‌های پایان سده نوزده میلادی هستند.

پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که سفرنامه‌نویسان غربی سده ۱۹ چه تصویری از زندگی اجتماعی-اقتصادی هندوان ساکن افغانستان ارائه کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد هندوان به عنوان اقلیت مذهبی و نژادی مردمان انعطاف‌پذیری بودند و با ادغام در جامعه افغانستان، از رفاه و آزادی اجتماعی کافی در بیشتر بخش‌های زندگی خود برخوردار بودند. آنها از نظر اقتصادی به تجارت و فعالیت‌های اقتصادی متنوع نظیر خدمات بانکی سنتی و صرافی‌ها، قرضه‌دهی و تجارت کالا میان هند و افغانستان مشغول بودند. تحقیق حاضر با اتکا به بررسی سفرنامه‌های غربی سده نوزدهم میلادی و با روش توصیفی-تحلیلی به پرسش فوق پاسخ داده است.

پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌هایی که بیشتر به زبان انگلیسی درباره زندگی و فعالیت‌های اقلیت هندی در دیگر نقاط جهان بر اساس سفرنامه‌های سده ۱۹ میلادی نوشته شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: لوی^۴ (۱۹۹۹م) در مقاله «پراکندگی جمعیت بازرگانان هندی در آسیای میانه جدید و ایران»^۵، در مورد نقش و فعالیت اقتصادی بازرگانان هندی در آسیای میانه و ایران بحث شده است. کلاد مارکوویتس^۶ (۱۹۹۹م) در مقاله «شبکه بازرگانان هندی

1. At The Court of Amir Abdur Rahman khan.
2. Hamilton, A. (1910), *Afghanistan*, London, W. Heinemann.
3. Thornton, Ernest and Annie (1910), *The experiences of an English official and his wife in Kabul*, London, John murray, Albemarle street.
4. Levi.
5. The Indian Merchant Diaspora in Early Modern Central Asia and Iran.
6. Claude Markovits.

در بیرون هندوستان در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی^۱، به حضور بازرگانان هندی در نقاط مختلف جهان در اواخر سده نوزدهم و سده بیستم میلادی پرداخته و شبکه تجاری هند را در آن زمان بررسی کرده است. همو (۲۰۰۰م) در کتاب خود با عنوان شبکه جهانی بازرگانان هندی ۱۷۵۰-۱۹۴۷م: بازرگانان سندی از بخارا تا پاناما^۲، به بازرگانان هندی و زندگی اقتصادی آنان در سراسر جهان، به‌ویژه در خاورمیانه و آسیای میانه پرداخته است. اگرچه این پژوهش‌ها در مورد زندگی هندوان خارج از افغانستان نوشته شده؛ اما هر کدام اینها از نظر روشی و گاه از نظر موضوعی به هندی‌های ساکن افغانستان نیز اشاراتی داشته‌اند و برای پیشبرد مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جمعیت هندوان

هندوان بیشتر در کلان شهرهای افغانستان مانند کابل، هرات، قندهار، بلخ، غزنی، جلال‌آباد و تاشقرغان و در نواحی مرزی هند و افغانستان سکونت داشتند. بر این اساس، جمعیت آنان در شهرهای مختلف به‌صورت پراکنده گزارش شده است. گزارش منابع اواخر سده ۱۸ در مورد جمعیت هندوان ساکن افغانستان در مقایسه با گزارش منابع سده نوزدهم میلادی، نشان دهنده افزایش جمعیت هندوان در سراسر سده نوزدهم است. برای نمونه، جمعیت هندوان از اواخر سده هجدهم میلادی، براساس چهار سفرنامه مختلف با تمرکز بر شهر هرات بررسی می‌شود. نخستین گزارش در مورد جمعیت هندوان در هرات در اثر آرتور دیده می‌شود. وی از زندگی صد خانواده هندی در شهر هرات سخن گفته است که تقریباً همه آنان به بازرگانی و قرضه‌دهی مشغول بودند (Arthur, 44). الکساندر برنس گزارش می‌دهد که در اوائل سده نوزدهم میلادی (۱۸۱۰م) حدود ششصد نفر هندی در هرات زندگی می‌کردند (Burnes, 1/169). بیست سال بعد در ۱۸۳۰ تعداد هندوان ساکن هرات بالغ بر هزار نفر ذکر شده است (Arthur, 45).



1. Indian Merchant Networks outside India in the Nineteenth and Twentieth Centuries, A Preliminary Survey.
2. The Global World of Indian Merchants, 1750-1947 (traders of Sind from Bukhara to Panama).

همیلتون در اواخر سده نوزدهم گزارش کرده است که حدود هفتصد خانواده هندی در هرات زندگی می‌کنند (Hamilton, 148). با مقایسه گزارش همیلتون با آرتور در اواخر و اوائل سده نوزدهم میلادی، جمعیت هندوان رشد هفت برابر داشته است. کابل به عنوان پایتخت، محل زندگی و کار تعداد بیشتر هندوان بود. جمعیت آنان در این شهر به صورت متفاوت گزارش شده است. موهن لال و الکساندر برنس که قبل از اولین حمله بریتانیا به افغانستان آمده بودند، تعداد هندوان را به ترتیب دو هزار نفر و سیصد خانوار گزارش کرده‌اند (Burnes, 1/169; Mohan Lall, 44). در سایر شهرها از جمله قندهار نیز گزارش دقیق در دست نیست. تعداد قابل توجهی از هندوان در قندهار زندگی می‌کردند. فوستر (۳۲) از حضور تعداد خانواده‌های هندی اهل ملتان و راجپوت در قندهار گزارش کرده است. گویا جمعیت هندوان در قندهار بیشتر از کابل بود، زیرا در بخش مشخص از شهر قدیم قندهار هندوان زندگی می‌کردند. در غزنی که شهر مهم میان قندهار و کابل بود، حدود دویست خانواده هندی در اواخر سده نوزدهم میلادی حضور داشتند که بیشتر آنها مغازه‌دار، صراف و بازرگان بودند (Hamilton, 286). در بلخ نیز تعدادی هندی زندگی می‌کردند، اما گزارش دقیق از تعداد آنان در دست نیست (الفنستون، ۱۴). در شهر کوچک و مهم خرم که در استان سمنگان میان قندوز و بلخ واقع است، حدود دو سوم جمعیت شهر را بازرگانان لوهانی اهل هندوستان تشکیل می‌دادند که به تجارت میان هندوستان، کابل، بلخ و آسیای میانه مشغول بودند (Harlan, 149). آماری که محققین از حضور اقلیت هندی در خارج هند در سده نوزده و بیست میلادی ارائه می‌کنند، تنها حدود نیم میلیون بازرگان هندی را بدون هندی‌هایی که در سایر بخش‌ها شاغل بودند، نشان می‌دهد. این عدد تا دهه سوم سده بیستم همچنان پابرجا بود. بیشتر جمعیت هندی‌ها در افغانستان را، تاجران هندی تشکیل می‌دادند که زندگی فصلی داشتند و بیشتر آنها به تجارت میان هند و آسیای میانه مشغول بودند (Markovits, 883-911).

هرچند سفرنامه‌ها گزارش دقیقی در مورد سایر شهرها به دست نمی‌دهند، اما افزایش جمعیت هندوان در هرات را می‌توان به‌عنوان مصداق عینی افزایش جمعیت

آنان در سایر شهرها نیز در نظر گرفت. عوامل متعددی در افزایش جمعیت هندوان در افغانستان سده نوزده میلادی نقش داشته است. حضور بریتانیایی‌ها در افغانستان و مشایعت و همراهی هندوان با آنان برای کار در افغانستان در افزایش جمعیت هندوان مؤثر بوده‌است؛ زیرا برخی هندوان که فارسی می‌دانستند بسیار مورد نیاز و پسند مأموران بریتانیایی بودند و بریتانیایی‌ها به کمک آنان برای گفتگو و تعامل با مردم و دربار افغانستان نیاز داشتند.

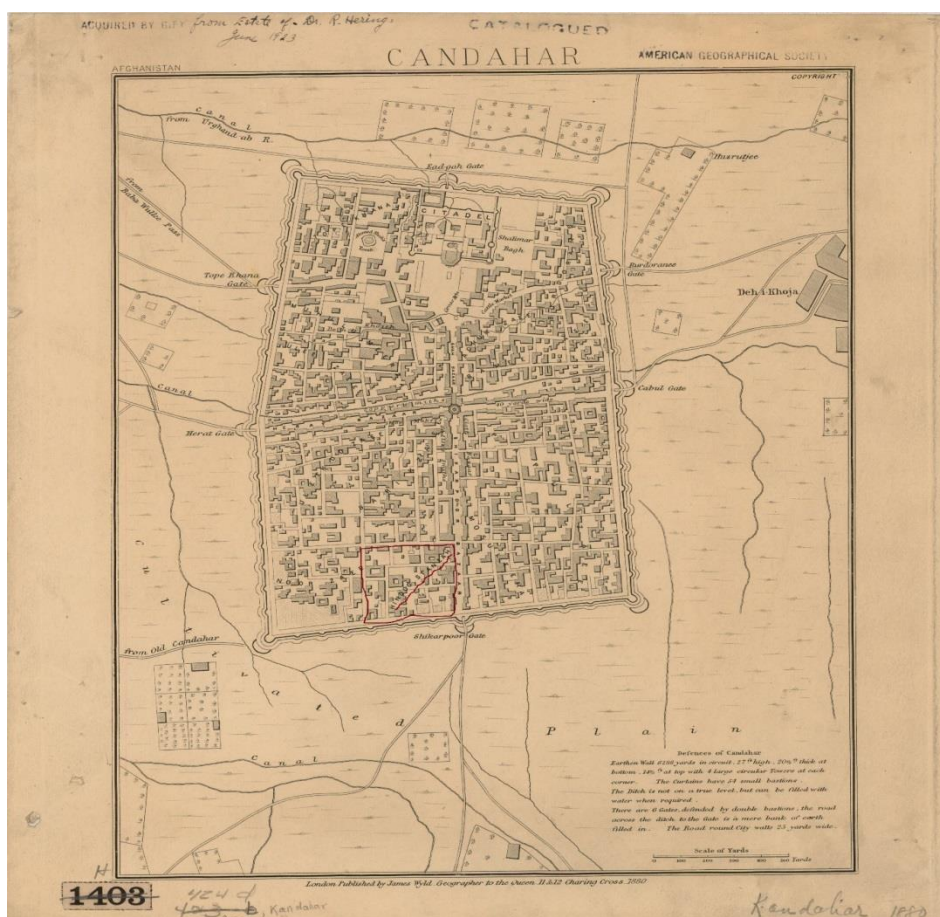
زندگی اجتماعی هندوان

هندوان در کنار مردم افغانستان زندگی آرامی داشتند. آنان از نظر زبان، مذهب، ظاهر و رفتار تا حدودی متفاوت از مسلمانان بودند و بدون تبعیض و فارغ از این تفاوت‌ها به کار و زندگی خود مشغول بودند. بیشتر منابع، این مدارا و روابط دوستانه میان هندوان و جامعه افغانستان را مورد توجه قرار داده و توصیف کرده‌اند. هندوان بیشتر در کلان‌شهرها و نواحی که از نظر اقتصادی اوضاع خوبی داشتند، زندگی می‌کردند. مهم‌ترین تفاوت میان هندوان با جامعه افغانستان، در پوشش آنان نمود پیدا می‌کرد؛ بیشتر آنان با پوشیدن دستار زرد، آبی یا قرمز، این تفاوت را در ظاهر آشکار می‌کردند.

میزان ثروت نقش مهمی در رفاه و آسایش هندوان داشت. هندوان ثروتمند زندگی مرفه و اوضاع مساعدی در کلان‌شهرها داشتند. آنان در خانه‌های مجلل و مزین دو طبقه، شبیه اشراف و ثروتمندان افغان زندگی می‌کردند (الفنستون، ۲۹۴، ۵۴۱، ۵۴۴). شباهت زندگی هندوان با اشراف و ثروتمندان افغان بنا بر شرایط مالی و اقتصادی برخی از هندوان بود، زیرا هندوان ثروتمند از امکاناتی شبیه اشراف از جمله استخدام خدمتکار برخوردار بودند. طبقه متوسط هندوان در خانه‌های معمولی زندگی کرده و به آن راضی بودند. برخی از هندوان شبیه فقیران و عارفان مسلمان در داخل افغانستان، زندگی فقیرانه اختیار کرده بودند. آنان در تکیه‌های فقیرانه که در شهرهای بزرگ وجود داشتند، زندگی می‌کردند. در هر شهری تعدادی تکیه‌خانه وجود داشت که به محل فقیران معروف بودند و افرادی که زندگی فقیرانه اختیار کرده بودند در آنجا سکونت می‌کردند (همان، ۵۴۴).



هندوان در بخش‌های مشخص شهر کنار هم و نزدیک به محل کار خود زندگی می‌کردند. رسم بر این بود که محلات شهر براساس زندگی اقلیت‌های دینی و نژادی اسامی متفاوت داشته باشد. در کابل محله عرب‌ها، محله حبشی‌ها، محله ارمنی‌ها و محله هندوها میان مردم مشهور بود (Masson, 2/255). محل زندگی هندوها بیشتر به «محله هندوان/ محله هندوستانی‌ها» مشهور بود. جمعیت بزرگی از هندوها در قندهار زندگی می‌کردند. این هندوها در بخشی از شهر قدیم قندهار معروف به محله هندوستانی‌ها زندگی می‌کردند. در نقشه زیر که مربوط به اواسط سده نوزده میلادی است، محل زندگی هندوان با رنگ قرمز تیره نشان داده شده‌است.



Wyld, {46}





در کلان شهرها هندوان بیشتر در کنار مراکز حکومتی اقامت داشتند. در کابل، بیشتر هندوان نزدیک بالاحصار^۱ سکونت داشتند (الفنستون، ۵۴۱؛ Hamilton, 163). زندگی در نزدیک مراکز حکومتی بیشتر به دلیل شغل آنان به عنوان مغازه‌دار یا تاجر بود، زیرا مرکز شهر و بازار در اطراف و نزدیک مراکز حکومتی قرار داشت و بیشتر خرید و فروش اموال در این نقاط انجام می‌شد. هندوان در همه شهرها به دولت جزیه می‌دادند. جزیه بر اساس قوانین شرعی، از آنان اخذ می‌گردید. در اواخر سده نوزدهم میلادی مقرر شد که هندوان علاوه بر جزیه، از هر عقد و نکاح به دولت مالیه پرداخت کنند (کاتب، ۴۶۱/۳). در برابر پرداخت جزیه و مالیه، دولت از آنان محافظت می‌کرد (Hamilton, 287).

هندوان از آزادی اجتماعی در بخش‌های گوناگون زندگی نظیر پوشش، موسیقی، اشتغال، تفریح و مسافرت، خوراک، نوشیدنی و سایر موارد برخوردار بودند. از نظر پوشش و لباس؛ آنها ظاهر متفاوت‌تر داشتند. جامه هندوان شامل شلوار تنگ، کلاه سیاه، دستار قرمز، زرد یا آبی و پیراهن می‌شد. برخی هندوان میان پیشانه خود را رنگ می‌کردند. هیچ کسی مزاحم پوشش متفاوت آنان نبود (Hamilton, 211, 287, 315؛ گری، ۱۸۷). محدودیت سختگیرانه‌ای نسبت به پوشش هندوان وجود نداشته با این حال آنان ترجیح می‌دادند با پوشش مخصوص به خود به‌ویژه با پوشیدن دستار آبی، زرد یا قرمز در شهرها حضور یابند (گریگوریان، ۸۸). هندوان از نظر غذا و نوشیدنی نیز به شیوه خود عمل می‌کردند. آنان می‌توانستند شراب بنوشند و مغازه‌هایی در کابل و سایر شهرها به هندوان شراب می‌فروختند. هندوان در محافل و سرگرمی‌های شخصی خود شب‌ها کنار هم جمع می‌شدند و به انجام انواع بازی‌ها می‌پرداختند (گری، ۱۸۷). همانند سایر اقلیت‌های دینی و نژادی، آنان قبرستان‌های مخصوص داشتند که در آنجا مراسم بعد از مرگ را برگزار می‌کردند (Lewis, 57). آزادی هندوان در پوشش، غذا، آداب و رسوم اجتماعی و عمل به شیوه خود در همه

۱. کاخ بالاحصار مقر فرمانروایی حاکمان کابل تا اواخر سده نوزدهم میلادی بود.

امور زندگی از یک سو بیانگر وجود روحیه انعطاف‌پذیری افغانان و هندوان و از سوی دیگر نشان‌دهنده فروتنی و ظرفیت ادغام‌پذیری هندوان در میان افغان‌ها بود.

اخلاق، انعطاف‌پذیری و خصوصیت‌های شخصیتی هندوان در امتزاج آنان با فرهنگ، آداب و رسوم افغانستان یکی از دلایل مهم زندگی بدون تبعیض و مرفه آنان در میان افغانان بود. بیشتر هندوان تعصب هندی خود را در برخورد با مردم افغانستان فراموش کرده و شبیه سایر مردم زندگی می‌کردند. بسیاری از آنان ریش گذاشته و شبیه مردان افغان لباس می‌پوشیدند. آنان از خوردن غذاهایی که در مطبخ و نانوائی‌های مسلمانان و افغانان پخته می‌شدند، پرهیز نمی‌کردند. آنان ضابطه غسل پس از تماس با مسلمانان را رعایت نمی‌کردند. این کار به سبب سرد بودن هوا ترک نمی‌شد، بلکه برای ادغام آنان در جامعه بود. در حقیقت از بسیاری جهات آنان روابط خوبی با مسلمانان داشتند (الفنستون، ۲۹۴). هم‌پذیری اجتماعی میان هندوان و افغانان را می‌توان در مسائلی نظیر تفریح، سرگرمی و مهمانی‌ها بیشتر درک کرد. روزهای جمعه، هندوان در کنار افغانان به باغ‌ها، اماکن عمومی، اماکن زیارتی و تفرجگاه‌های خوش آب و هوا می‌رفتند. در این روز همه بدون کمترین تفاوت در رفتار باهم‌دیگر، همراه با افغانان تا عصر به تفریح و سرگرمی می‌پرداختند (الفنستون، ۳۷۸، ۵۴۷).

به نظر می‌رسد که آسایش نسبی هندوان در سراسر سده نوزدهم میلادی، نتیجه اقداماتی است که از نیمه دوم سده هجدهم میلادی نسبت به آنان توسط حکومت انجام شده بود. هندوان از سده‌های قبل در افغانستان زندگی می‌کردند و با تشکیل دولت ڈرانی، از این گروه به‌عنوان افرادی که در ساختار اقتصادی شهر افغانستان نقش مهم داشتند، قدردانی می‌شد. با تشکیل دولت درانی و در سراسر نیمه دوم سده هجدهم میلادی، آنان به نقش‌آفرینی خود در بخش‌های مختلف در افغانستان ادامه دادند و تعدادی از متخصصین و اهل علم از هندوان در ساختار اداری دولت افغانستان جذب شدند (گریگوریان، ۸۷-۸۸). فوستر (۱۵، ۱۷) که در اواخر سده هجدهم از افغانستان بازدید کرده بود، متذکر می‌شود که آزادی مذهبی، اجتماعی و رفتار نیک دولت و مردم با هندوان تا حدودی مدیون حضور هندوان در دربار و به‌ویژه خزان‌شاهی است.

سخن فوستر در حالی که صدها نفر از هندوان در مناصب مختلف دولتی مشغول کار بودند، می‌تواند مبنای قضاوت در مورد رفتار افغانان و دولت با هندوان باشد، زیرا هندوان مردمانی فروتن بودند و با توجه به مهارت در حسابداری و دیوانسالاری، تصویر مثبتی از خود در میان درباریان و مقام‌های حکومتی نشان داده بودند.

امور مذهبی و دینی هندوان فقط در مکان‌های شخصی یا ویژه به صورت آزادانه انجام می‌شد. بر این اساس هندوان حق داشتند کلیه امور عبادی و دینی خود را در پرستشگاه یا خانه‌های خود انجام دهند و از تبلیغ یا انجام آن در اماکن عمومی پرهیز کنند. به این ترتیب هندوان در ساخت پرستشگاه‌های جدید، انجام امور دینی و مذهبی در اماکن عمومی نظیر بازار و ازدواج با مسلمانان از طرف مردم و دولت با محدودیت روبه‌رو بودند. برای اینکه آنان از انجام امور دینی خود باز نمانند، اجازه داشتند تا در کلان-شهرها پرستشگاه‌ها را بازسازی کنند و در آنجا به عبادت بپردازند (الفنستون، ۵۴۹). ساخت و ساز پرستشگاه جدید منوط به اخذ مجوز از دولت بود، زیرا دولت برای اینکه حساسیت و افکار عمومی علیه آنان ترغیب نشود، به آسانی مجوز ساخت پرستشگاه را صادر نمی‌کرد. در صورتی که هندوان بدون مجوز دولت دست به ساخت پرستشگاه می‌زدند، در صورت اطلاع، در اولین فرصت آن معبد توسط دولت تخریب می‌شد (کاتب، ۴/۷۶۷).

بیشتر محدودیت‌های اجتماعی و مذهبی در موارد فوق از سوی روحانیون نسبت به هندوان اعمال می‌شدند. هرچند این محدودیت‌ها جنبه غیردولتی داشت و دولت در بیشتر موارد با هندوان رفتار ملایم و انعطاف‌پذیر داشت، نفوذ روحانیون و ملاها در دربار و جامعه این قدرت را به آنان داده بود که با طرح ادعای ساده بر علیه هندوان، مردم و دولت را بر علیه آنان تحریک کنند تا محدودیت‌های مورد نظر آنان را اعمال کنند. تغییر دین و مذهب هندوان، روابط تجاری میان هندوان و افغانان و معامله‌های تجاری میان بازرگانان هندی و دولت دلایلی برای اعمال و ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و مذهبی نسبت به هندوان بود (کاتب، ۴/۶۹۳). در کنار برخی محدودیت‌ها، هندوان حق داشتند تا قبرستان مخصوص به خود را داشته باشند و در آنجا اجساد

مردگان خود را بسوزانند. قبرستان مردگان آنان در کابل در تپه مرنجان واقع بود. در آن تپه سایر اقلیت‌های غیر مسلمان نظیر یهودیان و ارمنی‌ها نیز مردگان خود را دفن می‌کردند (Masson, 2/274).

تغییر اجباری دین هندوان به ندرت گزارش شده‌است. در صورت تغییر دین، دولت برای آنان اسامی اسلامی انتخاب کرده و مبالغ زیاد پول تحفه می‌داد. چارلز در نیمه اول سده نوزدهم گزارش می‌کند که دولت و وزرا از تغییر دین هندوان به اسلام، به خوبی استقبال و آنها را تشویق می‌کردند؛ در حالی که نسبت به تغییر دین مسیحیان به اسلام، سخت‌گیری می‌شد (همان، ۲/۲۴۵). در اواخر سده نوزدهم کاتب (۴/۳۶۹) از چند مورد تغییر دین هندوان به اسلام، با جزئیات گزارش می‌دهد. بنابر گزارش وی، در سال ۱۸۹۸ که سال‌های آخر حکومت امیر عبدالرحمن خان (حک. ۱۸۸۰-۱۹۰۰) بود، دو نفر مرد و زن هندی ساکن افغانستان به اسلام گرویدند. شخص امیر، اسم مرد را به نور محمد تبدیل کرد و به آنان یک هزار و سه صد روپیه تحفه داد و آنان را از پرداخت جزیه نیز معاف کرد. در همان سال سه نفر از هندوان که در چهار باغ زمینداور در قندهار زندگی می‌کردند، به اسلام گرویدند. امیر عبدالرحمن به آنان خلعت داد و برای هر کدام پنجاه روپیه تعیین کرد (همان، ۴/۴۰۴). در سال ۱۸۹۹ نیز سه نفر از هندوان مسلمان شدند. کاتب (۴/۵۲۵) اسامی هندی آنان را گزارش نداده و اسامی اسلامی آنان را سعید محمد، گل محمد و غلام محمد آورده است. دولت به هر کدام از این سه نفر پانصد روپیه اعطا کرد. با توجه به اینکه تبدیل دین و مذهب میان هندوان امر پذیرفته شده نبود، اندک هندوانی که به اسلام می‌گرویدند، مورد تسمخر سایر هندوان قرار می‌گرفتند (همان، ۴/۴۰۴). ختنه کردن هندوان نیز گزارش شده‌است که بیشتر توسط ملایان و با فشار به هندوان انجام می‌شد (الفنستون، ۲۰۲).

با بحث و بررسی در مورد زندگی اجتماعی هندوان در سده نوزدهم به این نکته می‌توان پی برد که قدرت ادغام و هم‌دیگر پذیری هندوان و افغانان در آداب و رسوم اجتماعی و معیشت روزانه مردم به مراتب نسبت به تحمل‌پذیری دینی و مذهبی میان آنان قوی‌تر بوده‌است. هندوان می‌توانستند در همه آداب و رسوم غیر دینی به شیوه خود عمل



کنند، در حالی که آنها در انجام آداب و رسوم دینی در اماکن عمومی آزاد نبودند. این وضع از یک سو بیانگر وجود حساسیت دینی میان افغانان و از سوی دیگر بیانگر توجه دولت برای حفظ آداب و روابط نیک اجتماعی میان افغانان و هندوان است.

زندگی اقتصادی هندوان

هندوان نقش بسیار پر رنگ اقتصادی در بازار، تجارت، نقل و انتقال پولی، مشاغل دولتی و سایر موارد داشتند. بسیاری از هندوان در شهرهای مختلف افغانستان به‌ویژه در کلان شهرها، به صرافی و قرضه‌دهی پول مشغول بودند. در قندهار بازار مشخص صرافی وجود داشت که در سمت شمال کابل بازار^۱ قرار داشت و همه صرافان هندی در آنجا مستقر بودند (Hamilton, 164, 286, 314 ; Vigne, 165). گاهی که دولت انتقال پول نقد از افغانستان به خارج از کشور به‌ویژه هند را منع می‌کرد، همه بازرگانان از طریق صرافی‌های هندی پول نقد خود را به خارج از افغانستان انتقال می‌دادند (کاتب، ۵۱۶/۴). صرافان هندی با ارائه قرضه و حواله ارزی سود قابل توجه بدست می‌آوردند. پرداخت حواله‌های مالیاتی حکومت نیز توسط هندوان انجام می‌شد (الفنستون، ۲۴۴). مدیریت حواله‌ها و امور پولی درون شهری نیز در اختیار هندوان بود. آنان در نقل و انتقالات بانکی و صرافی‌ها و در تمام روابط تجاری و بازرگانی حضور داشتند. صرافان هندی در برخورد با مردم و بازرگانان، بسیار فروتنانه رفتار می‌کردند و خوش رفتاری آنان مورد توجه و توصیف مردم و بازرگانان بود (Harlan, 65). دزدی پول نقد و اجناس قیمتی صرافان، اخذ پول از سوی دولت به بهانه‌های متفاوت و خطر بروز شورش و تحولات سیاسی در افغانستان، همواره در کمین صرافان هندی بود؛ البته آنان بسیار محتاط بودند (الفنستون، ۲۴۵).

تعداد قابل توجهی از هندوان در بازارهای بزرگ و کوچک مغازه داشتند. بیشتر مغازه‌هایی که اجناس خارجی می‌فروخت در اختیار هندوان بود. مغازه‌های فروش

۱. قندهار چهار بازار بزرگ داشت. یکی از این بازارها، به کابل بازار معروف بود که دروازه آن به سمت راه کابل باز می‌شد (Vigne, 165).

کفش، غله، پارچه و بسیاری از عطاری‌ها نیز در اختیار هندوان بود. بیشتر مغازه‌های آنان در نزدیک محل زندگی‌شان قرار داشت (الفنستون، ۵۴۱-۵۴۲). عطاری‌ها که در میان مردم محبوب بودند و داروهای سنتی و خارجی نیز می‌فروختند، تقریباً به‌طور دربست در اختیار هندوان قرار داشت. تعدادی از این عطاری‌ها توسط عطاران سرشناس و ثروتمند هندی مدیریت می‌شدند. برنس (۷۳) از عطار مشهور هندی در کابل گزارش داده است که همانند افغانان چندین زن داشت. کاتب (۶۹۳/۴) نیز از عطار مشهور جلال‌آباد به نام نراین داس یاد می‌کند که به جرم همکاری با بریتانیایی‌ها، بازداشت و زندانی شده بود.

بازار پنبه و ابریشم نیز بیشتر در اختیار هندوان بود. در کابل بیشتر این مغازه‌ها که در نزدیک بالاحصار کابل قرار داشت، در اختیار آنان بود (گری، ۶۰). مغازه‌داران هندی در شهرهای کوچک نیز حضور داشتند؛ چنانکه در غرب خلم و نزدیک به بلخ نیز زندگی می‌کردند (Hamilton, 211). در مسیرهای صعب‌العبور که کاروان‌های تجاری به ندرت رفت و آمد می‌کردند، نیز مغازه‌داران هندو حضور داشتند. ماسون در مسیر کابل تا بامیان، از ناحیه جلریز گزارش می‌دهد که اینجا هشتاد خانوار زندگی می‌کنند و دو سه مغازه هندی دایر است (Masson, 2/327). در کلان شهرها، مغازه‌داران هندی در کنار مغازه‌داران افغان آزادانه فعالیت می‌کردند و مشتریان خود را داشتند (الفنستون، ۵۴۷). هندوان در همه امور زندگی فروتنی داشتند. آنان در برخوردهای اجتماعی، مشاغل اقتصادی و رفتار بار مشتریان خود بسیار فروتنانه و همراه با احترام برخورد می‌کردند.

بازرگانان هندی میان هند، افغانستان، ایران و آسیای مرکزی در رفت و آمد بودند. دو شبکه تجاری هندی در افغانستان با تأسیس سلسله درانی در قندهار رشد یافتند. شبکه اول متشکل از بازرگانان اهل ملتان بود که از گذشته به بازرگانی میان افغانستان و هند مشغول بودند. شبکه دوم که در نیمه دوم سده هجدهم رشد یافت، متشکل از بازرگانان شکارپوری بود که پیوند عمیق تجاری میان شمال هند و شکارپور، با قندهار ایجاد کردند. دلیل مهم موفقیت بازرگانان شکارپوری در توسعه بازرگانی، موقعیت جغرافیایی

شکارپور بود که نزدیک گذرگاه بولان قرار داشت. گذرگاه بولان نقطه وصل قندهار با شمال هند بود. کاروان‌های تجاری از این گذرگاه میان هند و افغانستان رفت و آمد می‌کردند. حمایت دولت از تاجران شکارپور و تهاجم حکومت ابدالی به شمال هند نیز سبب موفقیت آنان در تجارت بود (Ramees and Chouhan, 446-454).

از اواخر سده هجدهم میلادی با حمایت تیمورشاه از تاجران و ثروتمندان هندی، نقش اقتصادی آنان پررنگ‌تر شد و این حالت با شروع سده نوزدهم همچنان ادامه یافت. با انتقال پایتخت از قندهار به کابل، بیشتر بازرگانان هندی و شکارپوری به کابل آمدند. در نیمه اول سده نوزدهم میلادی، هشتاد نمایندگی تجاری بازرگانان شکارپوری در کابل گزارش شده است (Burnes, 1/169). شکارپور دروازه تجاری افغانستان و نماد تجارت موفق میان افغانستان و هند شمرده می‌شد (برنس، ۱۲). گزارش موهن لال (۲۳۴-۲۳۵)، مقدار ثروت و موفقیت تجارت هندوان در افغانستان را به خوبی بیان می‌کند. او با توصیف ثروت بازرگانان هندی، متذکر می‌شود که در نیمه اول سده نوزدهم میلادی یکی از ثروتمندترین بازرگانان هندی با بیست هزار سکه طلا روسی توسط دوست محمدخان گرفتار شد و تنها با تلاش الکساندر برنس کمی از طلای خود را از امیر پس گرفت. همچنین او از بازرگان هندی درجه اول کابل، به اسم گوپالداس^۱ گزارش کرده است که اهل شکارپور بود و در کابل زندگی می‌کرد. در دهه چهل سده نوزدهم، گزارش‌هایی از آزار و اذیت تاجران و ثروتمندان هندو توسط دوست محمدخان، حاکم وقت افغانستان گزارش شده است (گریگوریان، ۸۸).

بعد از کابل، قندهار مهم‌ترین ناحیه تجاری افغانستان بود. تاجران هندی در آن زمان در قندهار به تجارت و کار مشغول بودند. تاجران هندی بیشترین ثروتمندان شهر قندهار را تشکیل می‌دادند (Hamilton, 164, 286). آنها از گذشته و مخصوصاً از اواسط سده هجدهم میلادی با شکل‌گیری حکومت درانی در قندهار، در ساختار اقتصادی این شهر نقش مهمی داشتند. فوستر (۳۲) در اواخر سده هجدهم نقش



بازرگانان هندی ساکن قندهار را در رشد تجارت و اقتصاد شهری و داشتن دانش و مهارت خوب در بازرگانی ستایش کرده است. هندوانی که به مشاغل بازرگانی در قندهار مشغول بودند، تجارت پرسود میان هند و افغانستان را از طریق شکارپور، کراچی و به‌ویژه بمبئی انجام می‌دادند. آنها ابریشم، پارچه‌های پنبه‌ای، موسلین، چیت گلدار، مرینو، پارچه‌های پشمی و پهن، چرم، آهن، مس، چاقو، قیچی، سوزن، نخ و کاغذ از انگلستان و نیل، ادویه‌جات، ترشی‌جات، شکر، دارو و نمک از هند و شال، پستین، کفش، تریاک و ابریشم و فرش‌های مشهدی را وارد می‌کردند (همان، ۱۶۶).

تاشقرغان میان کابل و بلخ یکی از مهمترین شهرها برای بازرگانان و صنعتگریان هندی و ایستگاه تجاری میان هند و آسیای مرکزی بود. در تابستان جمعیت شهر در اثر تجمع بازرگانان، معامله‌گران و سایر گروه‌ها به سرعت تا بیست هزار نفر افزایش می‌یافت، در حالی که با ترک بازرگانان و معامله‌گران در زمستان به دلیل مسدود شدن راه‌های تجاری و سردی هوا، یک چهارم جمعیت شهر کاهش می‌یافت و به حدود پانزده هزار نفر می‌رسید. در تاشقرغان چهار گروه شامل صرافان و قرضه‌دهندگان، بازرگانان، مغازه‌داران و صنعتگران هندی حضور داشتند. در این شهر کوچک فروشگاه‌های دارو، جواهرالات و رنگ‌فروشی در اختیار هندوان بودند (Hamilton, 211). حضور هندوان در تاشقرغان چندان چشمگیر بود که تعدادی از آنان در همین شهر کوچک تجاری فوت می‌کردند و اموالشان دوباره به هند فرستاده می‌شدند (کاتب، ۳/۳۴۳).

در شهر کوچک خرم در نزدیک تاشقرغان که ناحیه تجارتي و توقفگاه کاروان‌های تجاری شمال-جنوب بود، بازرگانان لوهانی اهل هندوستان نقش پررنگ و مهمی داشتند. حدود دو سوم جمعیت این شهر کوچک را بازرگانان لوهانی تشکیل می‌دادند که در این شهر زندگی می‌کردند. تقریباً همه این هندی‌ها، به تجارت مشغول بودند و بیشتر تجارت آنها با آسیای میانه به‌ویژه بخارا و بلخ بود (Harlan, 149). شهر بلخ نیز محل زندگی تعداد قابل توجهی از هندوان ثروتمند بود. آنان بلخ را ثروتمند کرده و بیش از هر گروه دیگر در اقتصاد بلخ نقش داشتند (فوستر، ۱۷). در نواحی مرکزی افغانستان که مسیر عبور قافله‌های تجاری به‌سوی بامیان و شمال افغانستان بود، نیز هندوان حضور داشتند. چارلز



در هنگام عبور خود به سوی بامیان، از حضور سه مغازه‌دار هندو در ناحیه جلریز (میان کابل و بامیان)، خبر داده است (Masson, 2/274).

چمن^۱ در مرز میان افغانستان و هند، مکان بسیار مهم و پرجنب و جوش برای بازرگانان هندی بود. بازرگانان هندی نبض تجارت چمن را در اختیار داشتند. آنان بیشتر اجناس قاچاق را از این شهر به هند انتقال می‌دادند، زیرا افغان‌ها اجناسی که صادراتشان به هند ممنوع بودند را به‌طور قاچاق به چمن می‌بردند و به بازرگانان هندی که در این شهر زندگی و کار می‌کردند، می‌فروختند. بازرگانان هندی اموال قاچاق را به بهای ارزان‌تر خریده و سپس با استفاده از خط آهن که در آن زمان تا چمن کشیده شده بود، به شهرهای بزرگ هند انتقال می‌دادند. کاتب (۷۴۱/۴) گزارش می‌دهد که در سال ۱۸۹۹م صد و پنجاه بار کشمش سبز که صادرات آن ممنوع بود، توسط بازرگانان افغان به چمن انتقال داده شد و سپس بازرگانان هندی آن را خریده و توسط خط آهن به داخل هندوستان انتقال دادند. نمایندگان تجاری دولت افغانستان در هندوستان و به‌ویژه در شهرهای تجاری مهم نظیر پشاور از هندوان انتخاب می‌شدند، زیرا با زبان و محیط هند آشنا بودند و در کار خود مهارت داشتند (همان، ۳/۳۴۰).

تعدادی از هندوان به جمع‌آوری سکه در سرتاسر افغانستان به خصوص در شهرهای تاریخی مشغول بودند. خرید و فروش سکه سود بسیار برای هندوان داشت. تعدادی از ثروتمندترین هندوان در ناحیه خوش آب و هوای بگرام در شمال کابل، به جمع‌آوری سکه و تفحص در این مورد مشغول بودند (Vigne, 220). هندوان در کابل و سایر شهرها ذخایر قابل توجه عتیقه و سکه در اختیار داشتند. این افراد معمولاً مورد تعقیب دولت بودند، زیرا گمان بر این بود که آنان همواره مقداری از این اجناس را با خود دارند. در صورت کشف، دولت اجناس را ضبط می‌کرد، در غیر این صورت آنان باید به مأمورین دولتی رشوه می‌پرداختند تا اجناس خود را حفظ کنند (Martin, 206). در سراسر سده نوزده که سایه فقر و قحطی تدریجاً سنگین‌تر می‌شد، خانواده‌های

۱. امروزه چمن در ناحیه مرزی میان افغانستان و پاکستان و در خاک پاکستان قرار دارد.

بیشماری مجبور شدند تا سکه‌ها و زیورآلات خود را به قیمتی که هندوان تعیین می‌کردند، بفروشند و از پول آن مایحتاج لازم زندگی از جمله آرد تهیه کنند. هندوان از این مسیر سود هنگفت به دست می‌آوردند (گری، ۲۵۱).

تعداد قابل توجهی از هندوان در صنایع، خزانه و عواید، ارتش، مسائل مالی و حسابداری، آشپزی، طبابت، مترجمی و بخش‌های دیگر دربار مشغول کار بودند. از نظر سیاسی، وزیر دربار حکومت خودمختار مرادبیگ در قندوز (شمال افغانستان)، یک نفر هندی به نام دیوان اتمر بود که در دربار مرادبیگ نفوذ و قدرت بسیار داشت و بردگان مسلمان در اختیار او بودند (Masson, 2/374). وظایف نظارت و خزانه‌داری دربار و اشراف در بیشتر موارد به عهده هندوان بود (الفنستون، ۲۹۴). اعتماد بیشتر دربار به هندوان و مهارت خوب آنها در حساب و کتاب، دو دلیل مهم حضور بیشتر آنان در بخش مالی و خزانه دربار بود (گری، ۲۵۱). بیشتر سردفتران مالی و خزانه دولت در بخش‌های مختلف کشور، در دست هندوان بود. چنانچه با توجه به گزارش کاتب (۳/۳۵۰، ۳۸۹، ۶۷۸/۴)، در سال ۱۸۹۶م دیوان رامکشن هندو به سردفتری مشرقی (شرق افغانستان)، به جای میرزا محمد قاسم خان اهل کشمیر، دیوان رام هندی، مسئول سنجش مالیات و وجوهات تمام هزاره‌جات و زمان خیال‌چند هندی سردفتر مغربی (غرب افغانستان) بود. به نظر می‌رسد که فروتنی و صداقت هندوان در کنار مهارت آنان در حسابداری باعث شده بودند که دربار آنان را به مناصب مهم مالی در نقاط مختلف افغانستان بگمارد، زیرا آنان از یک سو تعلق خاطر به مردم محل نداشتند و از سوی دیگر همیشه تلاش می‌کردند تا موقعیت و شغل خود را با عدم انجام فساد و پرداخت رشوه حفظ کنند.

مترجم رسمی دربار و شاهزاده‌ها نیز از میان هندوانی که به زبان انگلیسی و فارسی تسلط داشتند، انتخاب می‌شدند (گری، ۳۳، ۱۷۷). مترجمی از نظر اقتصادی جزو مشاغل بسیار پردرآمد هندوان بود. مترجمین هندی بر انگلیسی و فارسی تسلط داشتند (گری، ۲۹۴). مترجم دربار و امیر صلاحیت قابل توجهی در دربار داشت. در مواردی جزئی مترجم این صلاحیت را داشت که به جای امیر تصمیم بگیرد. مترجمین مهندسی

خارجی و بریتانیایی که در استخدام دولت مرکزی بودند، نیز هندی‌تبار بودند (همان، ۲۹۳، ۳۱۸، ۳۳۶).

هندوان در کارخانه‌هایی که در اواخر سده نوزدهم تأسیس شده بودند نیز مشغول کار بودند، زیرا آنان در کار با دستگاه‌ها و مشاغل مربوط به مهندسی مهارت قابل توجهی داشتند (گری، ۱۴۱). آنان مشاغل عرق‌کشی، چرم‌سازی و دباغی، صابون‌سازی، شمع‌سازی، ضرب سکه، تولید انواع تفنگ، شمشیر، چراغ الکتریکی، تلفن، چرخ خیاطی و مانند اینها را در اختیار داشتند. هندوان در خیاطی نیز مهارت قابل توجهی داشتند. برای راه اندازی دستگاه‌های برش پارچه و خیاطی که در اواخر سده نوزدهم میلادی به افغانستان وارد شده بود، همه خیاط‌های هندی استخدام شده بودند. آنان صدها نفر خیاط بومی را نیز آموزش دادند تا برای کار با دستگاه‌ها آماده شوند (Martin, 292؛ عبدالرحمن‌خان، ۳۱۸).

نتیجه

حضور هندوان در سرزمینی که امروز افغانستان نامیده می‌شود، پدیده جدیدی نیست. در سده نوزدهم میلادی که افغانستان با تشکیل حکومت درانی، وضع سیاسی جدیدی را تجربه کرد، حضور هندوان بیش از پیش برجسته شد و تعداد قابل توجهی از هندوان در قالب تاجر، صراف، بانکدار، مغازه‌دار، منشی و طبیب در افغانستان مشغول کار و زندگی شدند. همزمان با تأسیس حکومت درانی در نیمه اول سده هجدهم در قندهار، تعداد آنان تدریجاً رو به رشد نهاد و با آغاز سده نوزدهم میلادی، حضور آنان بیش از پیش در نقاط مختلف افغانستان افزایش یافت. در سده نوزدهم میلادی با تحولاتی که بریتانیا در شبه قاره به وجود آورد و با گسترش نفوذ بریتانیا به سوی شمال هند و افغانستان، پیوند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان هند و افغانستان محکم‌تر شد. با نفوذ بیشتر بریتانیا و سفر نمایندگان و مأمورین سیاسی بریتانیا به افغانستان، زمینه برای شناخت مردم و سرزمین افغانستان بیش از پیش فراهم شد. نتیجه مطلوب این شرایط تولید ده‌ها اثر مکتوب در قالب سفرنامه توسط

نمایندگان، مأمورین و متخصصین بریتانیایی درباره افغانستان است. ابهامی که در این تحقیق در پی پاسخ آن بودیم اینگونه طراحی شد که زندگی اجتماعی-اقتصادی هندوان ساکن افغانستان در سفرنامه‌های غربی سده نوزدهم میلادی چگونه به تصویر کشیده شده‌است؟ بررسی منابع مزبور ما را به این نتیجه رساند که سفرنامه‌نویسان چون بومی نبودند، به مسائل ریز و درشت زندگی و معیشت روزانه، کار و اشتغال و زندگی اقتصادی هندوان به عنوان اقلیت دینی-نژادی توجه کرده‌اند. هندوان از نظر اجتماعی و در انجام امور شخصی و زندگی روزانه خود آزادی عمل داشتند. آنان به خوبی توانسته بودند با انعطاف‌پذیری و فروتنی با مردم افغانستان ادغام شوند و در برخی از موارد حتی به شیوه افغانان عمل کنند. با این حال از نظر مذهبی هندوان مجبور بودند، حساسیت‌های اجتماعی جامعه افغانستان را درک کنند. براین اساس، نمی‌توانستند در اماکن عمومی به عبادت بپردازند. هرچند آنان به دولت جزیه می‌پرداختند و دولت از آنان حمایت می‌کرد، در برخی موارد با توجه به منافع دولت و روحانیون، محدودیت‌هایی نیز نسبت به آنان اعمال می‌شد. از نظر اقتصادی، هندوان در بخش‌های مختلف به‌ویژه تجارت، کارهای فنی، صرافی، حسابداری و قرضه‌دهی پول نقش فعال داشتند. وضع اقتصادی آنان نسبت به بیشتر افغانان بهتر بود و ثروتمندان آنان شبیه اشراف افغان زندگی می‌کردند.

منابع

- الفنستون، مونت استوارت، افغانان: جای، فرهنگ و نژاد، ترجمه محمد اصف فکرت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
- برنس، الکساندر، مأموریت کابل، ترجمه عبدالخالق لعل زاد، لندن، بی‌نا، ۲۰۱۸.
- عبدالرحمن خان (۱۳۷۵)، تاج التواریخ، کابل، میوند، ۱۳۷۵ش.
- فوستر، جورج، از بنگال تا انگلستان (از طریق شمال هند، کشمیر، افغانستان، ایران، بحیره کسپین و روسیه در سالهای ۱۷۸۲-۱۷۸۴م)، ترجمه عبدالخالق لعل زاد، لندن، بی‌نا، ۲۰۱۲.
- کاتب هزاره، فیض محمد، سراج التواریخ، به کوشش دکتر سرور مولایی، تتمه جلد سوم و چهارم، کابل، امیری، ۱۳۹۰ش.
- موهن لال کشمیری، زندگی امیر دوست محمدخان، ترجمه سید خلیل الله هاشمیان، امریکا، انتشارات آینه افغانستان، ۱۳۹۴ش.
- گری، جان الفرد، در دربار امیر عبدالرحمن خان، ترجمه اکبر بریالی، هامبورگ، بی‌نا، ۲۰۲۰.
- گریگوریان، وارتان، ظهور افغانستان نوین، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، ۱۴۰۰ش.
- Arthur, Conolly, *Journey to The North of India over land from England Through Russia, Persia and Afghanistan*, London, Bentley, 1838.
- Burnes, Alexander, *Travels In to Bokhara*, London John Murray, Albemarle street, 1836.
- Hamilton, Angus, *Afghanistan*, London, W. Heinemann, 1910.
- Harlan. General Josiah, *Personal Narrative of General Josiah Harlan*, Edited by Frank E. Ross, London 'LUZAC & CO, 1939.
- Levi, Scott. C. "Hindus Beyond the Hindu Kush 'Indians in the Central Asian Slave Trade", *JRAS*, vol. 12, issue. 3, pp. 277-288, 2022. doi: <https://doi.org/10.1017/S1356186302000329>
- Le'wis, Pelly (1866) *Journal of a Journey from Persia to India Through Herat and Qandahar*, Bombay 'Education Society Press, 1866.
- Markovits, claude, " Indian Merchants Networks Outside India in The Nineteenth and Twentieth Centuries, A Preliminary Survey", *Modern Asian Studies Journal*, vol. 33.No. 4, pp. 883-922, 1999. **Doi: <https://doi.org/10.1017/S0026749X99003467>**
- _____, *The Global World of Indian Merchants, 1750-1947 (traders of Sind from Bukhara to Panama, United Kingdom, Cambridge University Press, 2000.*
- Martin. A. Frank, *Under the Absolute Amir*, London: Harper& Brothers Publishers, 1907.

- Masson, Charles, *Narrative of Various Journeys in Balochistan, Afghanistan, the Panjab, and Kalat, during a residence in those countries*, London, Richard Bentley, 1844.
- Mohan lall Kashmiri, *Travels in The Punjab, Afghanistan and Turkistan*, New Delhi (Indian Council of Historical Research, 1971.
- Ramees, Ahmad lone, Nahida Chouhan, "Changing Regional Identities in Trade: from Multanis to Shikarpuris", *Journal of Positive School Psychology*, vol.6. No. 2, 2022. <http://journalppw.com>
- VIGNE, Godfrey Thomas, *A Personal Narrative of a Visit to Ghuzni, Kabul, And Afghanistan, And of A Residence at the Court of Dost Mohamad (with notices of Runjit Sing, Khiva, And The Russian Expedition)* London, George Routledge Ryde's court, 1843.
- Wyld, James, *Candahar, Afghanistan*, published by James Wyld, Geographer to the Queen, 1880.